مدیریت شهری
شماره ۳۴ بهار ۱۳۹۳
No.34 Spring 2014
۲۷۳-۲۹۶
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۶/۱۱ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۹/۳

برنامه‌ریزی فضایی راهبردی برای حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در منطقه کلان‌شهری تهران

محمد حسین شریف زادگان* - دانشیار گروه برنامه ریزی شهری و منطقه ای دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
هانیه شمس کوشکی - کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه ای دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران.

چکیده
از آن جاکه شهرها و محیط پیرامون آن‌ها محیط رشد اقتصادی و کانون فعالیت و موقعیت‌های اجتماعی فضای سرزمینی کشورها محسوب می‌شوند، مدیریت شهری و منطقه ای باید دارای مولفه هایی باشدکه از تمام شرایط فزاینده شهرنشینی بهره گیرد. حکمروایی به عنوان الگویی مردم سالار از نظام تصمیم‌گیری و اداره امور شهر و منطقه، در تقابل با مفهوم حکومت به‌کار می‌رودکه در آن کنترل و هدایت توسعه شهری و منطقه ای در مجموعه سازمان‌ها و نهادهای نظام رسمی و دولتی خلاصه می‌شود. منطقه‌کلان شهری تهران با چالش‌های بزرگی در اداره و حکمروایی خود رو به روست که یکی از آن‌ها تفرق سیاسی و حکومتی به معنی وجود تعداد زیادی از عناصر و عوامل تصمیم‌گیر و اجرایی بدون وجود چارچوب‌های هماهنگ‌کننده است و برای چیرگی بر بسیاری از مسائل محتوایی و بهره‌گیری از توان‌های کلیه عناصر و عوامل مؤثر، ولی در عین حال پراکنده، باید بر این چالش غلبه‌کرد. مقاله حاضر در راستای غلبه بر تفرق‌های موجود در نظام برنامه ریزی و مدیریت منطقه‌کلان شهری تهران، از مفاهیم برنامه ریزی فضایی راهبردی و حکمروایی منطقه ای استفاده می‌کند. در این پژوهش، از روش‌های کمی و کیفی در جمع آوری اطلاعات، تحلیل و تجویز استفاده شده و پرسش نامه‌ها توسط گروهی از ساکنان، کارکنان بخش خصوصی و عمومی و قدرت‌های دولتی، برای شناخت مشکلات و امکانات موجود در نظام اداره این منطقه تکمیل گردیده‌اند. راهبردهای استقرار نظام حکمروایی در منطقه‌کلان شهری تهران با استفاده از برنامه ریزی فضایی راهبردی در سه مرحله به صورت گام به گام و در زمینه‌های مختلف در راستای دستیابی به اهداف، ارائه می‌شوند. سیاست‌های اجرایی و سازوکار سازمانی پیشنهادی برای راه‌اندازی، اجرا و بازبینی برنامه راهبردی در راستای تحقق «حکمروایی یکپارچه منطقه ای در منطقه‌کلان شهری تهران» علاوه بر رفع نیازهای کمی، می تواند زمینه ارتقای کیفیت محیط و عدالت اجتماعی و هویت ملی و محلی و در یک‌کلام توسعه پایدار شهری و منطقه ای را فراهم آورد.
واژگان کلیدی: حکمروایی، برنامه ریزی فضایی راهبردی، منطقه‌گرایی، منطقه‌کلان شهری تهران.

Strategic Spatial Planning for Regional Integrated Governance In Tehran Metropolitan Region

Abstract
Nowadays, it has been accepted in the world that the goals of sustainable development will be achieved by integrated planning and management and with respecting to the principles of update urban and regional sciences. Given that cities and their surrounding environment are considered as the driving force of economic growth and the focus of business and social situations in the most countries of the world, in the existing situation of multi-level urbanization, urban and regional management should be included components such as transparency, accountability, participation, law-oriented, efficiency and consensus-oriented to take advantage of all the conditions of increasing urbanization. On the other hand, increasing scale and scope and complexity of the cities and regions problems and also the unveiling the insufficiency of the bureaucratic traditional system and top-down decision making has led a trend toward systems in which large and small decisions are being taking by consensus-oriented of all groups interests.
Keywords: Governance – Strategic Spatial Planning –Regionalism – Tehran MetroRegion

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره: ؛ رایانامه:

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

۱ـ مقدمه

۱-۱ـ طرح مسئله

نیم‌نگاهی به وضعیت مدیریت شهری و منطقه‌ای در ایران نشان می‌دهد به دلایلی چون تمرکزگرایی، برون‌زا بودن برنامه‌ها و طرح‌ها و اقتصاد مبتنی بر نفت، مدیریت شهری و منطقه ای در سیطره دولت است و مدام از مدیریت یکپارچه و سیستمی فاصله گرفته و در گرداب مدیریت بخشی و سلولی گرفتار آمده و از روند شهرنشینی و و در دیدگاه‌ها و نگرش‌های از بالا به پایین گرفتار گردیده است (بوجانی، ۱۳۸۶، ص ۱۲). از سویی، به نظر می‌رسد جایگاه مناطق کلان شهری درکشور و «منطقه کلان شهری تهران» به طور خاص، برای کارگزاران اداره سرزمین به خوبی شناخته نشده است، زیرا سازوکار خاصی برای بهره برداری از توان‌های نهفته این پهنه‌ها در شرایط خاص اقتصاد جهانی شده که کانون خود را مناطق کلان شهری می‌یابد، اندیشه نشده است. مفهوم منطقه و جایگاه منطقه کلان شهری تهران، گستره فعال‌ترین پهنه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رود که با دیگر مناطق کلان شهری در رقابتی بسیار دشوار قرار دارد.

شدت یافتن روزافزون مقیاس وگستردگی و نیز پیچیدگی مسائل شهرها و محیط‌های پیرامون و همچنین آشکار شدن بی‌کفایتی سیستم‌های سنتی تصمیم‌گیری بالا به پایین، سبب شده است گرایشی به سوی سیستم هایی به وجود آید که در آن تصمیمات بزرگ وکوچک با اشتراک بین صاحبان منافع اتخاذ می‌شوند (عسگری(الف)، ۱۳۸۷، ص ۱۳۴). صاحب نظران، امروزه به این نتیجه رسیده‌اند که مشکل عمده مدیریت شهر و محیط پیرامون آن کمبود منابع مالی، انسانی یا تکنولوژی مدرن نیست بلکه پیش و بیش از همه، مشکل اصلی در شیوه اداره این عوامل است (ترابی، ۱۳۸۳، ص ۶). مفهوم «حکمروایی» که اکنون به عنوان مفهومی فراگیر وارد حوزه برنامه ریزی و مدیریت شده، جایگزین مفهوم‌های پیشین اداره و مدیریت است و می‌توان با ترکیبی از این مفهوم با قلمروهای فضایی مختلف، مفاهیم بسیار جامعی را برای نشان دادن میزان و شدت هماهنگی، همکاری و مشارکت بین سازمانی و بین قلمرویی تولید کرد (اسدی، ایرج و همکار، ۱۳۸۸، ص ۱۴۵).

«برنامه ریزی فضایی راهبردی»[1]، فرآیندی اجتماعی فضایی قابل تغییر و اتحادبخش است که ترجیحا توسط بخش عمومی‌راهبری می‌شود و از خلال آن چشم اندازها[2]، اقدامات عملی[3] مرتبط با هم و ابزارهای اجرایی تولید می‌شود که «آنچه هست» و «آنچه باید بشود» را از یک فضا شکل می‌دهند (Albrecht,2001a,2006). «حکمروایی»[4]، فرآیندی است که بر اساس کنش متقابل میان سازمان‌ها و نهادهای رسمی برنامه ریزی و مدیریت شهر و منطقه از یک طرف و نهادهای غیر رسمی جامعه مدنی از طرف دیگر شکل می‌گیرد. مشارکت نهادهای غیر رسمی و تقویت عرصه عمومی‌می‌تواند به سازگاری منافع گوناگون و در نتیجه به پایداری توسعه شهری و منطقه ای منجر شود. «یکپارچگی»[5]، به معنی جست و جوی ابزارها و راهبردهایی برای چیرگی بر تفرق و چندپارگی (سیاسی، برنامه ریزی، عملکردی، ...) در نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری و منطقه ای است و «منطقه گرایی»[6]، به معنی هماهنگ کردن اجزای از هم گسیخته و مستقل برنامه ریزی و مدیریت منطقه ای برای کاستن از اثرات نامطلوب تفرق و تعدد عوامل تصمیم گیر و اجزای مختلف می‌باشد. «حکمروایی یکپارچه منطقه ای» بر تمام انواع تصمیم‌ها و سیاست گذاری‌ها در نظام برنامه ریزی و مدیریت منطقه سایه افکنده و «برنامه ریزی فضایی راهبردی» را به سوی تحقق اهداف توسعه هدایت می‌کند.

۱-۲ـ پیشینه تحقیق

تا سه دهه پیش، فرض غالب این بود که «حکومت»ها واجد ظرفیت کافی برای اداره و مدیریت هستند و توان اجرای سیاست‌ها و تحقق اهداف توسعه را دارند. بروز این دیدگاه در زمینه برنامه ریزی، رویکرد دولت مدار در توسعه است؛ به این معنی که سازمان‌های بخش عمومی‌به تنهایی می‌توانند انواع برنامه ریزی و مدیریت شهری و منطقه‌ای را به انجام رسانند، با این تلقی که

1. Spatial Strategic Planning
2. Vision
3. Action
4. Governance
5. Integration
6. Regionalism

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

تضادی در ارزشها و منافع وجود ندارد و جامعه و برنامه‌ریزان به درک واحدی از مشکلات و اهداف رسیده‌اند (Rakodi, 2003). با شکل‌گیری دیدگاه تکثرگرا از ساختار اجتماعی، هربخش از جامعه دارای نفع و دید متمایزی پنداشته می‌شود که باید جایگاه مشخصی در تصمیم سازی‌ها و تصمیم گیری‌ها پیدا کند و در این مفهوم جدید، حکومت‌های رسمی به تنهایی، نه تنها فاقد ظرفیت اداره و حکومت هستند بلکه در یک جامعه دموکراتیک صلاحیت و مشروعیت آن را نیز ندارند. در راستای این تلقی مفهوم «حکمروایی» اشاعه یافت و به‌جای مدیریت دولت‌مدار به‌کار گرفته شد.

از سویی، نظام برنامه ریزی و مدیریت، بدون جامع نگری و یکپارچه‌سازی تصمیم‌ها و سیاست‌ها قادر نخواهد بود تعدد و تکثر موجود در ماهیت شهرها و مناطق شهری را هدایت کند و به اهداف برنامه ریزی دست یابد و مفهوم «حکمروایی یکپارچه» در راستای چنین تلاش هایی شکل گرفت. در عصر حاضر که «منطقه‌گرایی» به دلیل تعداد جمعیت ساکن در مناطق شهری و نقش اقتصادی و سیاسی آن‌ها در عصر جهانی شدن در مقیاس فضایی بزرگتری از برنامه ریزی محلی خود را می‌نمایاند، توجه ویژه به «حکمروایی یکپارچه منطقه ای» به عنوان یک چتر وحدت‌بخش در نظام برنامه ریزی و مدیریت، بیش از پیش در جهان و همچنین کشور ایران که به دنبال تثبیت جایگاه روشن و متناسب اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در نظام جهانی است، اهمیت پیدا می‌کند (اسدی، ایرج و همکار، ۱۳۸۸).

۳-۱- پرسش‌ها و اهداف

در پژوهش حاضر، تبیین و تحلیل حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران و استفاده از برنامه ریزی فضایی راهبردی برای دست یابی به حکمروایی یکپارچه در این منطقه، در پی یافتن پاسخ پرسش‌های تحلیلی و تجویزی از این قبیل است:

ـ نظام برنامه ریزی و مدیریت منطقه‌کلان شهری تهران با چه چالش هایی برای حکمروایی و غلبه بر تفرق‌ها رو به رو است؟

ـ چه راهبردهایی می‌توان برای استقرار حکمروایی یکپارچه در منطقه‌کلان شهری تهران با استفاده از برنامه ریزی فضایی راهبردی ارائه داد؟

تبیین و تحلیل برنامه ریزی فضایی راهبردی برای حکمروایی یکپارچه در منطقه‌کلان شهری تهران، در پی تبیین وتحلیل مشکلات و چالش‌های موجود نظام برنامه ریزی و مدیریت منطقه کلان شهری تهران و تحلیل کارآمدی مفهوم «حکمروایی یکپارچه» در وحدت بخشیدن و فراگیرنمودن توسعه منطقه کلان شهری تهران است و هدف تجویزی پژوهش، ارائه راهبردهایی برای استقرار نظام حکمروایی یکپارچه در منطقه کلان شهری تهران بااستفاده ازبرنامه ریزی فضایی راهبردی است.

۲ـ روش شناسی

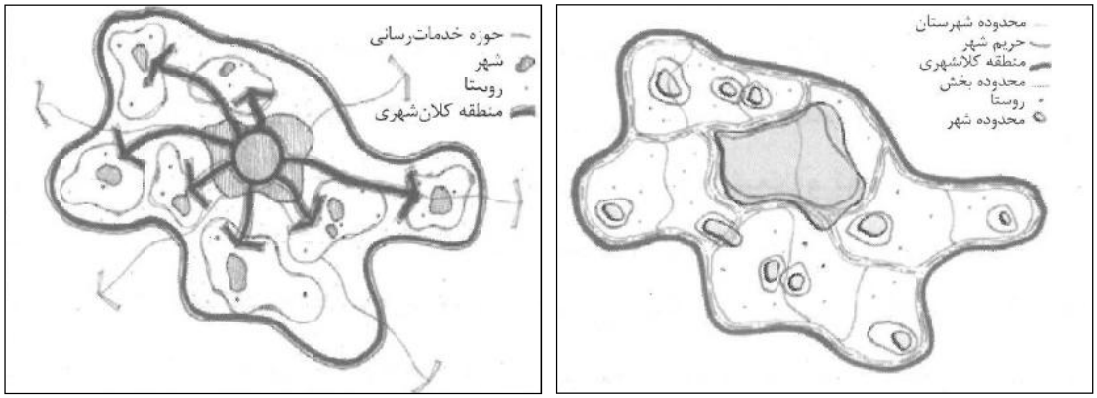
در هریک ازگام‌های فرآیند برنامه ریزی فضایی راهبردی، شامل بررسی اسناد و منابع موجود برای مرور مشکلات، اهداف و راهبردها، تعیین مشکلات، تدوین اهداف، تولید و ارزیابی راهبردها، روش‌های گوناگونی با توجه به امکانات موجود استفاده شده است. در سنجش حکمروایی، شاخص هایی با توجه به چالش‌های منطقه ای و شاخص‌های بین المللی به‌کار گرفته شده‌اند و در جمع آوری و پردازش اطلاعات از:

- **طراحی پرسش‌های ترکیبی باز و بسته با درجه بندی طیف لیکرت**[7] برای پرسش نامه‌های سنجش حکمروایی؛
- تکمیل پرسش نامه‌ها بدون مصاحبه با نظارت پرسش‌گر؛
- **نمونه گیری خوشه ای**[8] در منطقه مورد بررسی برای نمونه‌گیری از جامعه آماری؛
- **اعتبار محتوا**[9] برای سنجش روایی پرسش نامه‌ها؛
- **آلفای کرونباخ**[10] برای سنجش **پایایی پرسش نامه ها** استفاده شده است.

در تعیین جامعه آماری برای جمع آوری اطلاعات منطقه، مانند برنامه مجموعه شهری تهران از مرز بندی‌های شهرستانی استان تهران استفاده شده است و

7. Likert Scale
8. Cluster Sampling
9. Content Reliability
10. Cronbach's Alpha

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



شکل ۱. تفرق سیاسی (سمت راست) و یکپارچگی و همبستگی عملکردی (سمت چپ) در منطقه کلان شهری، ماخذ: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، ۱۳۸۵

چهار شهرستان تهران، شمیرانات، ری و اسلام شهرکه شهرستان‌های مرکزی استان تهران هستند و مرز مناطق بیست و دوگانه شهرداری تهران به داخل آن‌ها نفوذکرده و تنوع قابل قبولی از اقشار اجتماعی را در خود جای داده‌اند، برای آمارگیری انتخاب شده‌اند. پرسش نامه‌ها درگروه‌های ساکنین، مسئولین بخش دولتی، مسئولین بخش عمومی‌و مسئولین بخش خصوصی، به طور متوازن توزیع و تکمیل گردیده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. هم چنین در تحلیل و تجویز برنامه از:

- **روش تحلیل سلسله مراتبی**[11] برای وزن دهی به شاخص‌های حکمروایی؛
- **روش نقاط قوت، ضعف، فرصت، تهدید**[12] برای تولید راهبردها؛ و
- **ماتریس دستیابی به اهداف**[13] برای ارزیابی راهبردها استفاده شده است.

تحلیل اطلاعات نیز برای آگاهی از امکانات و مشکلات موجود در نظام برنامه ریزی و مدیریت منطقه کلان شهری تهران با توجه به شاخص‌های حکمروایی یکپارچه منطقه ای صورت می‌گیرد. تجویز پیشنهادات و راهبردها در این پژوهش، در چهار زمینه اصلی قلمروها، ساختارها و نهادها، جامعه مدنی و منابع شامل طرح‌ها و برنامه ها، قوانین و مقررات و منابع مالی صورت گرفته است که در سه مرحله به صورت گام به گام به اجرا در می‌آیند.

۳- مبانی نظری به کارگیری برنامه ریزی فضایی راهبردی برای حکمروایی در مناطق کلان شهری

در سال‌های بعد از دهه ۱۹۹۰ میلادی بسیاری از مناطق کلان شهری در دنیا تلاش‌های زیادی را صرف منطقه گرایی کلان شهری نموده‌اند. افزایش تفرق سیاسی از طریق افزایش تعداد قلمروهای سیاسی و مدیریتی، افزایش پیچیدگی و تنوع در الگوهای تصمیم گیری و فقدان دید و رویکرد یکپارچه منطقه ای (شکل شماره ۱) در اداره و مدیریت شهر- منطقه‌ها و همچنین فرایندهایی چون جهانی شدن و روندگذار از حکومت به حکمروایی ضرورت تجدید ساختار در حکومت و حکمروایی شهر- منطقه‌ها را بیش از پیش نشان می‌دهد.

تحقق و استقرار مدل حکمروایی شهری در مناطق کلان شهری، مستلزم پیش زمینه‌ها و متضمن تغییرات بنیادین در نگرش و روش اداره امور این مناطق است. خلاصه‌ای از این الزامات را به شرح زیر می‌توان طبقه بندی‌کرد:

نظریه حکمروایی، نگرشی نو در اداره شهرها و مناطق شهری است‌که ضمن نظری بودن عملی هم هست .به منظور برون رفت از تنگناها و چالش‌های شهرنشینی جدید وگذر از نظام متمرکز به غیر متمرکز تحول در نظام مدیریت، تحقق اصل حکمروایی شایسته یک ضرورت است. با توجه به تهیه طرح‌های راهبردی به جای

11. analytical hierarchy process (A.H.P)
12. SWOT
13. Goal Achievement Matrix

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول ۱. الزامات تحقق حکمروایی در مناطق کلان شهری؛ ماخذ: صرافی، ۱۳۷۸

الزامات محتوایی[14]	– پذیرش و حرکت به سمت نظام باز، کثرت گرا و مدنی از طریق تقسیم و انتقال قدرت سیاسی
	– توسعه گرایی مبتنی بر انسان محوری و پایداری اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی
	– مشارکت جویی شهروندان و مشارکت پذیری سازمان‌ها و مسئولان رسمی
	– کارآیی و اثر بخشی کلیت منطقه کلان شهری و اجزای عملکردی و جغرافیایی آن
	– کل گرایی و نگرش جامع و فراگیر در سطح کل منطقه کلان شهری
الزامات رویه ای[15]	– برخورداری از محدوده فضایی مشتمل بر کل منطقه کلان شهری به عنوان محدوده مسئویت و عمل نظام حکمروایی کلان شهری
	– برخورداری از نیروی انسانی و کارکنان حرفه‌ای و کارآمد و پایه درآمدی شناور و اجازه وضع عوارض و مالیات
	– عدالت فضایی و اجتماعی در خدمات رسانی به تمام ساکنان و همه محدوده منطقه کلان شهری
	– طراحی ساختار، فرآیند و قواعد تصمیم سازی و تصمیم گیری (رسمی و غیر رسمی) بر مبنای معیارها و ویژگی‌های مدل حکمروایی
	– تدوین و استقرار روش‌ها و مکانیزم‌های تضمین کننده شفافیت، اثر بخشی و پاسخگویی نظام حکمروایی

طرح‌های سنتی درکشور باید شرایط تحول در روش‌های تصمیم سازی، اصلاح قوانین و تقویت جامعه محلی را دردستورکار جدی قرار داد و این امر باید در بستر حقوقی و مدیریتی جوامع محلی بسترسازی شود. به عبارتی دیگر به‌کارگیری رویکرد راهبردی مستلزم تحول در روش برنامه ریزی و پذیرش انعطاف و عدم قطعیت است. انعطاف در سطوح تصمیم‌سازی که متضمن منافع آحاد جامعه است، نیازمند تحول دربستر قانونی و مدیریت شهری و منطقه ای است (لاله پور، ۱۳۸۶). اهم موانع استفاده از چنین رویکردی در حکمروایی شامل دو دسته موانع می‌باشد که در محیط و در فرآیند برنامه ریزی روی می‌دهد و اهم موارد آن در جدول شماره ۲ آورده شده است:

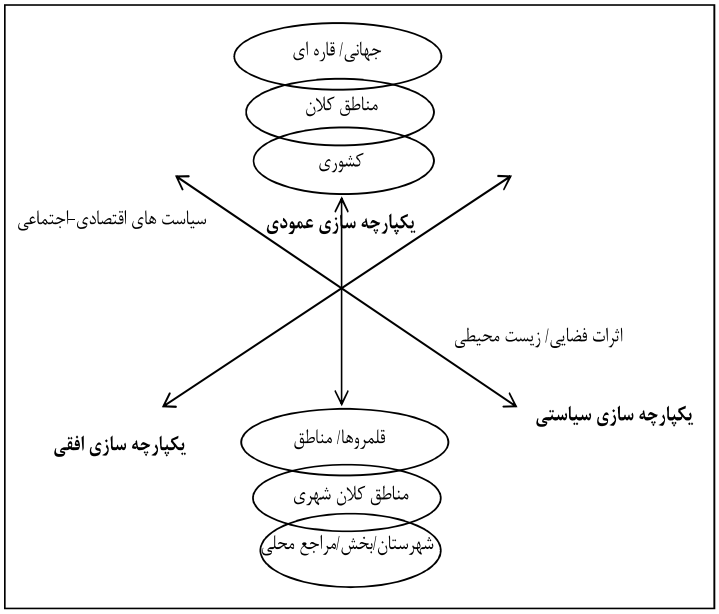
برنامه ریزی راهبردی با رویکرد مشارکتی،گزینشی، اقدام

جدول ۲. موانع استفاده از رویکرد برنامه‌ریزی فضایی راهبردی در حکمروایی؛ ماخذ: مرادی مسیحی، ۱۳۸۴

موانع در محیط برنامه ریزی	– تصدی گری واحدهای مرکزی دولتی در امر برنامه ریزی و– عدم وجود مدیریت واحد برای مناطق کلان شهری؛
	– عدم وجود مکانیزم های مشخص و قوانین لازم برای جلب مشارکت مردم و تشکل های غیر دولتی؛
	– عدم وجود نظام برنامه ریزی فضایی یکپارچه در سطح ملی، منطقه ای، محلی؛
	– عدم استقلال نهادهای محلی (شورای شهر و شهرداری ها) و محدود بودن حوزه اختیارات آن ها؛
	– عدم وجود سازمان با مسئولیت انجام برنامه ریزی استراتژیک برای کلان شهرها (به طور دائمی)؛
	– ضعف تشکیلات شهرداری ها و شوراها و– عدم تثبیت قانون‌گرایی در سطح کشور
	– عدم وجود نهادهای غیردولتی متشکل بعنوان نمایندگان گروههای ذی نفع
	– ضعف فرهنگ شهروندی و عدم اطلاع کافی مردم از عملکرد و مسئولیت های شهرداری
موانع در فرآیند برنامه ریزی	– ترس برنامه ریزان، مدیران و مجریان از مشارکت مردم
	– فرآیند برنامه ریزی به کار گرفته شده جدی گرفته نشده است
	– سیستم های برنامه ریزی، عدم موفقیت در برقراری رابطه میان سیستم های برنامه ریزی با سیستم عملکردی و ...

14. Substantial
15. Procedural

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



شکل ۲. مدل فضایی حکمروایی یکپارچه، ماخذ: اسدی؛ برک پور، ۱۳۸۸

جدول ۳. مشکلات همسویی قوانین از منظر برنامه‌ریزی فضایی راهبردی در ایران؛ ماخذ: مهدی زاده، ۱۳۸۵؛ صحت زاده، ۱۳۸۴

طرح	مشکلات
طرح تحقیقاتی وزارت مسکن و شهرسازی سابق	– نبود هماهنگی قانونی در نهادهای تصمیم ساز نظام برنامه ریزی فضایی نظیر مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی وزارت کشور، دفتر امور فنی و تدوین معیارهای سازمان مدیریت و برنامه ریزی سابق، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی این وزارتخانه
	– عدم تدوین دستورالعمل ماده ۲۰ آیین نامه نحوه بررسی و تصویب طرح های توسعه و عمران (مصوب ۱۳۷۸) در زمینه جلب مشارکت مردم و نهادهای محلی در حین تهیه طرح
	– ضعف جایگاه قانونی مهندسین مشاور شهرساز
	– نبود آیین نامه و راهنما در خصوص اسناد و مدارک برنامه های توسعه
	– تمرکز تصویب برنامه ها در سطح شورای عالی شهرسازی و معماری و عدم جایگاه قانونی موثر نهادهای محلی
	– عدم الزام قانونی به حرکت و برنامه ریزی در برنامه های فضایی فرادست
	– عدم وجود آیین نامه دستورالعمل در خصوص چگونگی نظارت بر اجرای برنامه های توسعه شهری و منطقه ای
طرح ارزیابی و ارائه برنامه استراتژیک آموزش برنامه ریزی شهری و منطقه ای	– عدم کفایت قوانین
	– قدیمی بودن آن ها و به روز نبودن قوانین
	– فقدان ضمانت اجرایی
	– آشفتگی و تناقض در پرسش شوندگان

محور خود می‌تواند به شناسایی اولویت‌ها و تحرک منابع برای تحقق آن‌ها کمک شایانی بکند. مشارکت عمومی‌درتصمیم گیری توسعه، شفافیت و پاسخ گویی تصمیم‌گیران در مقابل ذی نفعان و همچنین تخصیص عادلانه واستفاده از منابع همگی اصول اولیه و مشترک رویکرد فضایی راهبردی و حکمروایی به شمار می‌روند. پس از تقویت سازمان‌های محلی و ایجاد حکومت محلی، طراحی و بهبود تماس و مشارکت میان حکومت

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول ۴. مشکلات همسویی قوانین کنش‌گران از منظر برنامه‌ریزی فضایی راهبردی در ایران؛ ماخذ: منوچهری‌فر، بابک، ۱۳۸۷

عوامل	مشکلات
عدم الزام قانونی به تعامل به برنامه ریزی فضایی در فرآیند برنامه ریزی	– بیشتر قوانین الزام متوجه حضور کنش‌گران را در فرآیند تصویب از طریق عضویت در کارگروه ها و شوراهای تشکیل شونده و فعال در فرآیند برنامه ریزی فضایی هستند و نه در فرآیند برنامه ریزی و برنامه سازی.
عدم تداخل کارکردها و فعالیت های قانونی با نظام برنامه ریزی فضایی	– قوانین به گونه ای هستند که نه تنها مداخله اصولی در فرآیند برنامه ریزی را مقدم می سازد، بلکه موجب تداخل نیز می شود.
عدم الزام قانونی به اقدام و حرکت در چارچوب های تدوین شده در برنامه ریزی فضایی	– الزام قانونی مشخصی برای حرکت و اقدام این کنش گران در چارچوب های کلان تدوین شده در برنامه ریزی فضایی ندارد و اگر هم در قالب تبصره ها یا ماده های واحده وجود دارد از آن جا که ضمانت اجرایی و نظارتی بر آن نیست، در عمل تحقق نمی یابد.

محلی با بخش خصوصی و جامعه مدنی و تلاش برای دربرگیری بازیگران و ذی نفعان متعدد شهر و محیط پیرامون آن اهمیت بالایی دارد. بنابراین شرط تحقق اهداف برنامه ریزی و مدیریت شهری، حکمروایی یکپارچه است که ابعاد مختلف آن در شکل شماره ۲ نشان داده شده است.

۴- وضع موجود برنامه ریزی فضایی راهبردی در ایران

مشخص‌ترین قوانین رسمی که ناظر بر فعالیت‌های برنامه‌ریزی و برنامه‌سازی فضایی هستند در نظام قانونی برنامه‌ریزی فضایی نمود می‌یابد. از منظر برنامه‌ریزی فضایی راهبردی می‌توان وضعیت نظام قانونی رسمی در ایران را در حوزه‌های قوانین و دستورالعمل‌های رسمی موجود، قوانین کنش‌گران در فضا و کاربست و شیوه‌های مرسوم و رایج برنامه ریزی فضایی، مورد بررسی قرار داد.

۴-۱- همسویی قوانین و دستورالعمل‌های رسمی موجود

مشکلات قوانین از منظر برنامه ریزی فضایی راهبردی در ایران با استفاده از نتایج طرح تحقیقاتی وزارت مسکن و شهرسازی سابق (مهدی زاده، ۱۳۸۵) و طرح ارزیابی و ارائه برنامه استراتژیک آموزش برنامه ریزی شهری و منطقه ای در ایران (صحت زاده، ۱۳۸۴) در جدول شماره ۳ نشان داده شده است. در مجموع قوانین و مقررات موجود در نظام برنامه‌ریزی فضایی را نمی‌توان کاملاً همسو با اصول برنامه‌ریزی فضایی راهبردی دانست.

۴-۲- همسویی کنش‌گران[16]

کنش‌گران در فضا از آنجاکه نقش بسیار مهمی در تغییرات فضایی دارند در برنامه‌ریزی فضایی راهبردی اهمیت می‌یابند. قوانین و دستورالعمل‌های ناظر بر فعالیت این کنش‌گران را می‌توان از منظر برنامه‌ریزی فضایی راهبردی از سه جنبه سنجیدکه مشکلات مربوط به هرکدام در جدول شماره ۴ آورده شده است:

۴-۳- همسویی کاربست و شیوه‌های رایج برنامه ریزی فضایی

یک فضای مغشوش و تصویری مبهم از برنامه‌ریزی راهبردی در نظام برنامه‌ریزی فضایی ایران تولید شده است؛ چراکه از یک طرف تلقی از برنامه ریزی راهبردی مبتنی بر پارادایم قدیم آن شکل گرفته و از طرف دیگر مباحث جدید برنامه ریزی فضایی راهبردی بر ایده‌های جدید و موضوعات و مفاهیم نوین در حال تاکید است و کنش گران برنامه سازی فضایی راهبردی از یک سو می‌خواهند از مفاهیم جدید استفاده کنند و از یکسو سرمایه فکری فکری متفاوتی دارند. این موضوع باعث می‌شود تا یک اتفاق مهم در تلاش‌ها و اقدامات عملی برنامه ریزی فضایی راهبردی در ایران شکل بگیردکه آن «تقلیل مفهومی‌و عملی مفاهیم، اصول و فرآیند برنامه ریزی فضایی راهبردی و تنزل جایگاه و نقش آن» است‌که مشکلات حاصل از آن در جدول شماره ۵ آورده شده است.

16. Actors

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول ۵. مشکلات همسویی کاربست و شیوه‌های رایج از منظر برنامه‌ریزی فضایی راهبردی در ایران؛ ماخذ: منوچهری فر، ۱۳۸۷

عوامل	مشکلات
تقلیل مفهومی	– تقلیل مفهومی برنامه ریزی فضایی راهبردی از یک پارادایم برنامه ریزی به یک شیوه و رویکرد برنامه ریزی (در حالت خوش بینانه آن) و یک مرحله از فرآیند برنامه ریزی جامع (در حالت وخیم آن)
	– تقلیل پارادایم برنامه ریزی فضایی راهبردی از طریق تمرکز صرف بر محصول و تلاش به منظور مشابهات سرفصل های برنامه های راهبردی با سرفصل های برنامه های جامع نظیر وجود راهبرد یا بیانیه راهبردها
تقلیل عملی	– تقلیل تکنیکی برنامه ریزی فضایی راهبردی به تعدادی از فنون مورد استفاده در فرآیند مطالعات فضا و نه فرآیند برنامه سازی
	– تقلیل فرآیند برنامه ریزی فضایی راهبردی به مرحله ای از برنامه ریزی جامع و صرفاً در تولید راهبردهای گزینه و انتخاب آن ها
	– قطعه قطعه شدن برنامه ریزی فضایی راهبردی و انتخاب گزینشی مفاهیم و اصول آن و استفاده ابزاری و مبتنی بر درک شخصی از همان مفاهیم اخذ شده

جدول ۶. مشکلات مدیریت شهری و منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه مانند ایران؛ ماخذ: لاله پور، ۱۳۸۶

سطح	مشکلات
سطح ملی	– تصمیمات مربوط به توسعه از بالا به پایین هستند و دستگاه‌های بین‌المللی، ملی و استانی تهیه کنندهٔ طرح‌ها و برنامه‌ها، معمولاً نحوهٔ تخصیص منابع و سرمایه‌گذاری‌ها را تعیین می‌کنند.
	– ارادهٔ موجود برای تغییر معمولاً با موانع زیادی از جمله قوانین و مقررات مطرود و رویه‌های قدیمی جا افتاده مواجه می‌شود.
	– منافع و نیازهای گروه‌های آسیب‌پذیر و اقلیت فرصت کافی برای بیان پیدا نمی‌کنند.
سطح منطقه ای	– معمولاً حکومت محلی در مقابل خواسته‌های رفاهی احساس عجز می‌کند.
	– شرکت‌ها و مؤسسات سرمایه‌گذاری محلی منافع خاص خود و اغلب متعرض با یکدیگر را دنبال می‌کنند
	– آگاهی از حقوق و مسؤولیت‌های مدنی در میان شهروندان و تصمیم‌گیرندگان حکومت‌های محلی بسیار ضعیف است.
	– کوشش اندکی برای بسیج و به حداکثر رساندن منابع محلی صورت می‌گیرد.

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۴ بهار ۱۳۹۳
No.34 Spring 2014

در یک نگاه‌کلی در مورد وضعیت نظام قانونی رسمی در ایران از منظر برنامه‌ریزی فضایی راهبردی می‌توان این گونه جمع بندی نمود که الزامات نظام قانونی رسمی برای استفاده یا استقرار برنامه ریزی فضایی راهبردی در سطح کیفی بسیار پایینی قرار دارد، به بیان دیگر قوانین و مقررات رسمی موجود با نیازهای قانونی برنامه ریزی فضایی راهبردی نه تنها هماهنگ و همسونیست بلکه در مواردی حتی مخالف آن بوده و در برابر تغییر بسیار مقاوم‌اند.

۵- الزامات و چالش‌های حکمروایی در ایران

بررسی ساز وکارهای برنامه‌ریزی و مدیریت درکشورهای در حال توسعه الزمات ملی ناشی از این نظام را در به کارگیری الگوی حکمروایی آشکار می‌سازد. در بیشتر کشورهای در حال توسعه، نظام برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه به صورت متمرکز است و نظارت و توسعه از طریق سازمان‌های دولتی و عمومی در سطح ملی و محلی انجام می‌پذیرد. برخی مشکلات مدیریت شهری و منطقه‌ای درکشورهای در حال توسعه و از آن جمله ایران در جدول شماره ۶ نشان داده شده است.

یکی از اهداف اصلی رویکرد حکمروایی این است که ساکنان مناطق شهری از یک شهروند انفعالی به یک شهروند فعال و مسؤولیت‌پذیر تبدیل شوند. در این دیدگاه شهروندان دیگر شیء بی‌جان محسوب

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

نمی‌شوند بلکه عملگرهایی فعال هستند. دولت نه تنها باید به شهروندان خودگوش دهد بلکه باید آنها را به طور فعال در تمام مراحل سیاست گذاری دخالت دهد. فلسفه‌ی این‌کار این است‌که با فراهم‌کردن چنان رقابتی، از شهروندان انتظار می‌رود که در مدیریت زندگی خود مسئولیت‌پذیر باشند، و اقدامات لازم را برای بهبود وضعیت محل زندگی خود انجام دهند. در این خصوص مهمترین مفهوم «توانمندسازی» است. حکمروایی با ابتکار عمل، سیاست از پایین به بالا و شبکه‌های خود سازمانی، رویکردهای قدیمی سلسله مراتبی، از بالا به پایین و دیوان سالاری راکمرنگ و ناکار آمدکرده است. مرزهای بین سازمانی موجود در ساختار دولتی همگی نفوذپذیر شده‌اند. بیشتر ازگذشته، ساکنان نواحی قرار گرفته در طرح در برنامه‌ها دخالت دارند و به مشکلات آن‌ها گوش داده می‌شود (and Kempen.R, 2004 Dekker.k). دست یافتن به این اهداف درکشورهای در حال توسعه با توجه به مدیریت‌های سنتی و متمرکز متداول در این‌کشورها خود ایجاد ساختارهای سازمانی، قانونی و مالی مناسب با این اهداف را الزامی می‌سازد.

لازمه‌ی رفع ناپایداری توسعه درکشورهای در حال توسعه رفع ناپایداری‌ها از بدنه‌ی نهادهای مدیریتی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه ای وکارآمدسازی، اثرپذیری و مسئولیت‌پذیری بیشتر در اداره‌ی امور شهری و تفویض وظایف، صلاحیت‌ها و قدرت به حکومت‌های محلی و سایر ذی نفعان محلی است که به شیوه‌ی جدیدی از اداره‌ی شهرها و مناطق به نام حکمروایی دلالت دارد. در شرایط پیچیدگی جوامع شهری و به تبع آن تعدد و تکثر کنش گران و نیروهای مؤثر در حیات شهر و محیط پیرامون آن، در مقیاس‌های مختلف محلی، ملی و منطقه‌ای و ضرورت همگرایی آن‌ها در جهت رسیدن به عدالت قضایی را می‌توان مهم‌ترین استدلال ضرورت حکمروایی و جایگزینی آن به جای شیوه‌های قبلی مدیریتی دانست. در این الگو از مسؤولیت اجرایی مستقیم مدیریت‌کمترشده و امکان بیشتری برای رویکرد مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی فراهم شود. در اینجا مدیریت از بالا پایین نیست و مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور، جزء جدایی‌ناپذیر آن است (AmamooOtchere,2006).

۶- وضعیت فعلی مدیریت منطقه کلان شهری تهران برای حکمروایی

در این پژوهش، شناخت وضعیت فعلی مدیریت منطقه کلان شهری تهران برای حکمروایی از طریق مطالعه اسناد و مدارک موجود در مورد نظام اداری- اجرایی حاکم و عناصر موثر و عملکرد آن‌ها در مدیریت منطقه شهری تهران و هم چنین از طریق مطالعات میدانی صورت‌گرفته است تا با جمع بندی آن‌ها بتوان به تحلیل مناسبی برای ارائه راهبردهای استقرار نظام حکمروایی در منطقه‌کلان شهری تهران رسید.

۱-۶- وضعیت فعلی مدیریت منطقه کلان شهری تهران براساس مطالعات اسنادی

از حدود چهار دهه پیش، عوامل مختلفی موجب توسعه فیزیکی شهر تهران و افزایش روابط و پیوندهای آن با منطقه پیرامونی خود شده و به تدریج منطقه عملکردی یا مجموعه شهری تهران را شکل داده است. برخی از این عوامل عبارت اند از: افزایش طبیعی جمعیت، افزایش مهاجرت از روستاها و شهرها به تهران، تصویب طرح جامع تهران و افزایش قیمت زمین در داخل محدوده طرح و در نتیجه اسکان اقشارکم‌درآمد در اراضی پیرامونی، اعمال محدودیت‌هایی در زمینه استقرار صنایع و کارخانه‌ها در قلمرو بلافصل شهر و نظایر آن. عوامل فوق موجب افزایش و پخش جمعیت و فعالیت و گسترش قلمرو منطقه‌کلان شهری تهران شده است. به این ترتیب در حالی که در سال ۱۳۴۵ شهر تهران با جمعیت حدود ۲/۷ میلیون نفرنزدیک به ۸۰ درصد جمعیت منطقه‌کلان شهری تهران را به خود اختصاص می‌داد، در سال ۱۳۸۵ و با افزایش جمعیت شهر تهران به بیش از هفت میلیون نفر، این نسبت به ۶۰ درصدکاهش یافته است. روند سریع گسترش منطقه عملکردی تهران، بدون پیش بینی و استقرار ترتیبات نهادی و قانونی لازم برای کنترل و هدایت توسعه و ارائه خدمات متناسب درکل منطقه، موجب بروز مشکلات و چالش‌های محتوایی متعدد همچون گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی، تخریب محیط زیست، از بین

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول ۷. نارسایی‌های شیوه فعلی اداره منطقه کلان‌شهری تهران با اصول و راهبردهای مدل حکمروایی؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس (عسگری و همکاران، ج دوم، ۱۳۸۳، ص ۱۱۱-۹۸و ۱۷۷-۱۷۵)، ۱۳۹۰

عوامل	مشکلات
نظام اداری- اجرایی حاکم در مدیریت منطقه شهری تهران	- نظام مدیریتی و حکومتی مستقل و متمایز برای منطقه کلان شهری تهران وجود ندارد
	- منطقه کلان شهری فاقد یک سیستم متمایز، تعریف شده و رسمی مدیریت فضایی است. با این حال، اداره امور این نظام، با اتکا به ساختارها و روش‌های رایج و ملاک عمل مدیریت شهری و روستایی در حال انجام و گذران است.
	- فرآیند تصمیم گیری و امور اجرایی در سازمان‌های رسمی مدیریت منطقه کلان شهری تهران از سوی مراجع غیر رسمی قدرت اجتماعی و اقتصادی نفوذ پذیر است. فقدان مجراها و سازوکارهای رسمی اعمال قدرت و نظارت توسط نهادهای بخش‌های مردمی و خصوصی، به اعمال قدرت و نفوذ آنها از طریق مجاری و روش‌های غیر رسمی اما موثر منجر شده است.
	- زیست پذیری و کیفیت زندگی در منطقه کلان شهری تهران افت کرده است. شرایط موصوف باعث تشدید ناپایداری و موانع زندگی و فعالیت سالم در منطقه کلان شهری تهران شده و خواهد بود.
	- ساختار موجود با هر دو الگوی حکومت شهری و حکمروایی شهری قرابت ندارد. با وجود عدم تناسب فرایند و محتوای ساختار موجود با الگوی حکومت شهری، فاصله این ساختار با الگوی حکمروایی شهری هم به لحاظ رویه و هم به لحاظ محتوا بسیار بیشتر و عمیق‌تر است.
عناصر موثر و عملکرد آن ها در مدیریت منطقه شهری تهران	- سازمان‌های موثر در مدیریت منطقه از منابع و فرایندهای رسمی و دولتی مشروعیت می گیرند. انتصابی بودن قریب به اتفاق عناصر مدیریتی منطقه، نشان دهنده وابستگی و نمایندگی آنها از سوی قدرت سیاسی و فقدان مکانیزم‌های رسمی برای اعمال نظارت و کنترل از سوی مراجع قدرت اجتماعی و اقتصادی است.
	- ساختار و روش‌های جاری اداره امور منطقه کلان شهری بر ساختارهای دولتی و عمومی موجود اتکا دارد. عناصر اصلی و رسمی اداره امور منطقه کلان شهری تهران عمدتاً شامل سازمان‌های دولتی و عمومی است و بخش‌های مردمی و خصوصی حضوری در این عرصه ندارند.
	- در فرم رسمی مدیریت منطقه کلان شهری تهران و عملکرد واقعی و عینی آن دوگانگی وجود دارد. اگرچه فرم رسمی و الگوی ظاهری مدیریت این منطقه منبعث از الگوی حکومت شهری است، اما ضعف و نفوذپذیری این سازمان‌ها باعث ضعف عملکرد آنها در تحقق اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های رسمی و حکومتی به نفع خواسته‌های دیگر نیروها شده است.
	- ساختار فضایی منطقه کلان شهری به تبعیت از نهادها و سازمان‌های متفرق و منبعث از الگوی حکومت شهری دارای تشتت و تفرق است. واگرایی در ساختار و سازمان فضایی منطقه کلان شهری تهران را می‌توان نتیجه غلبه رسمی نهادهای قدرت مدار و ناهم سویی نهادهای غیر رسمی با سیاست‌ها و برنامه‌های آنها دانست. تقابل و ناهمسویی مذکور، زمینه ساز واگرایی عناصر اصلی ساخت و ساز-بخش خصوصی و مردمی-و در نتیجه تفرق در ساختار فضایی-کالبدی منطقه کلان شهری تهران شده است.
	- مدیریت منطقه کلان شهری تهران در جهت هماهنگی با تغییرات نهادی تقویت کننده قدرت بخش‌های غیر دولتی، مردمی و خصوصی انطباق لازم را ندارد. تحولات دو دهه اخیر در سطح منطقه کلان شهری تهران به ارتقای عملی جایگاه، قدرت بالقوه و نفوذ بالفعل بخش‌های غیر دولتی در فرایندهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فضایی این منطقه منجر شده است. پایداری و انسان محور بودن توسعه آینده این مجموعه، مستلزم ظرفیت سازی برای پذیرش نیروهای جدید در سازمان مدیریتی منطقه از طریق استناد به آموزه‌های رویکرد حکمروایی شهری و منطقه ای و تقویت اعتماد و تشریک مساعی بین همه این کنشگران است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

رفتن اراضی مرغوب باغی و کشاورزی، آلودگی‌های آب وخاک و هوا، ناکارآیی شبکه حمل ونقل و غیره شده است.

در شرایط کنونی، اداره و مدیریت منطقه کلان شهری تهران به عنوان یک کل یکپارچه در بین قلمروهای حکومتی و مدیریتی متعدد و نهادهای خدماتی حکومت مرکزی تقسیم شده است، به طوری که هیچ نوع نگرش و رویکرد یکپارچه ای برای اداره و مدیریت آن وجود ندارد. این چالش بنیادین که به ابعاد فرآیندی و رویه ای سیاست گذاری و اجرای تصمیمات در منطقه کلان شهری تهران مربوط می‌شود، به تفرق سیاسی و یا حکومتی مشهور است که در بسیاری از موارد علت شکل گیری و یا تشدید مشکلات محتوایی یاد شده است. در برابر تفرق سیاسی به عنوان یک چالش رویه ای در اداره و حکمروایی مناطق کلان شهری راهبردهای متعددی از سوی مناطق کلان شهری مختلف در دنیا تدبیر شده و به کار رفته است که طیفی را بر حسب شدت تغییرات ساختاری اعمال شده نشان می‌دهد. این دسته تدابیر برای چیرگی بر تفرق سیاسی - که از ایجاد حکومت یک سطحی و دو سطحی (شدت منطقه گرایی بالا) تا ایجاد روابط داوطلبانه همکاری بین قلمروهای حکومتی (شدت منطقه گرایی کم) مختلف متغیر است - در متون مرتبط حکومت کلان شهری به راهبردهای منطقه گرایی معروف اند (3arlow,1991) . با توجه به ویژگی‌های وضعیت فعلی مدیریت منطقه کلان شهری تهران، قیاس و ارزیابی ساختار و شیوه فعلی اداره امور منطقه کلان شهری تهران با اصول و راهبردهای مدل حکمروایی، مبین نارسایی هایی می‌باشد که در جدول شماره ۷ آورده شده است:

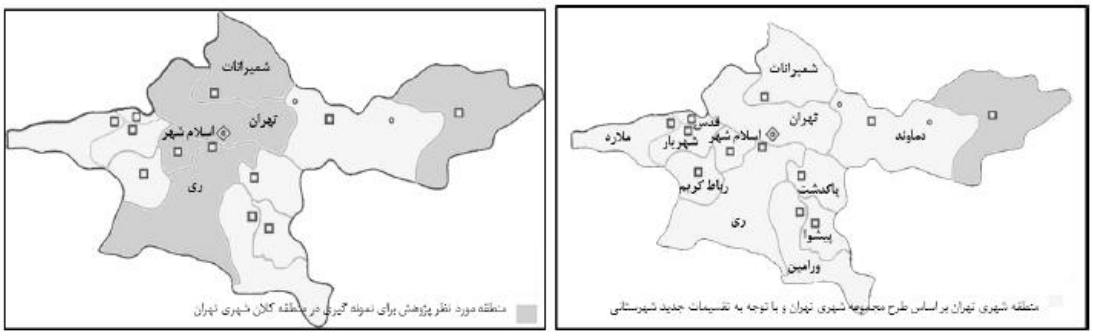
۲-۶- وضعیت فعلی مدیریت منطقه کلان شهری تهران براساس مطالعات میدانی

برای شناخت وضع موجود برنامه ریزی و مدیریت منطقه کلان شهری تهران با استفاده از مطالعات میدانی، ابتدا منطقه مورد بررسی در نمونه موردی یعنی منطقه کلان شهری تهران، به‌طور دقیق تعیین می‌شود. اگر منطقه کلان شهری تهران را با توجه به تعریف و مرزی که در برنامه مجموعه شهری تهران، به‌صورت کلان شهر تهران و حوزه نفوذ اطراف آن (آن دسته از نواحی که در داخل مرز استان تهران قرار دارند و دارای تعاملات شدیدی با کلان شهر تهران در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و اثرات کالبدی هستند) در نظر بگیریم، در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات این منطقه، از مرزبندی‌های شهرستانی استان تهران استفاده شده است و چهار شهرستان تهران، شمیرانات، ری و اسلام شهر که شهرستان‌های مرکزی استان تهران هستند و مرز مناطق بیست و دوگانه شهرداری تهران به داخل آن‌ها نفوذکرده و تنوع قابل قبولی از اقشار اجتماعی را در خود جای داده‌اند، برای آمارگیری انتخاب شدند. فرآیند این بخش از مراحل اصلی زیر تشکیل می‌شود:

- تعیین جامعه آماری شامل نواحی وگروه‌های مورد نظر برای جمع آوری اطلاعات؛
- تعیین معیارها و شاخص‌های مناسب برای سنجش حکمروایی
- وزن دهی به معیارها با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی؛
- سنجش پایایی پرسش نامه‌های تکمیل شده با استفاده از روش آلفای کرونباخ؛
- بیان یافته‌های حاصل از تحقیق به صورت امتیاز به دست آمده برای حکمروایی به تفکیک نواحی و گروه‌های جامعه آماری؛ و
- نتایج تحقیق به صورت بیان مشکلات و امکانات موجود به تفکیک نواحی وگروه‌های جامعه آماری.

در پژوهش حاضر، حکمروایی در منطقه شهری تهران دارای ده معیار و هر معیار با چند شاخص تعریف شده است و برای بررسی مفهوم حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران، به دلیل گسترده بودن جامعه آماری در چهار عرصه ساکنین، بخش دولتی، عمومی و خصوصی و بالا بودن حجم نمونه‌ها و گستردگی تعداد شاخص‌های سنجش، سنجش حکمروایی در منطقه شهری تهران برای چهار شهرستان تهران، شمیرانات، ری و اسلام شهر صورت گرفته است (شکل شماره ۱) که شهرستان‌های مرکزی استان تهران هستند و مناطق بیست و دوگانه شهرداری شهر تهران در محدوده این شهرستان‌ها واقع

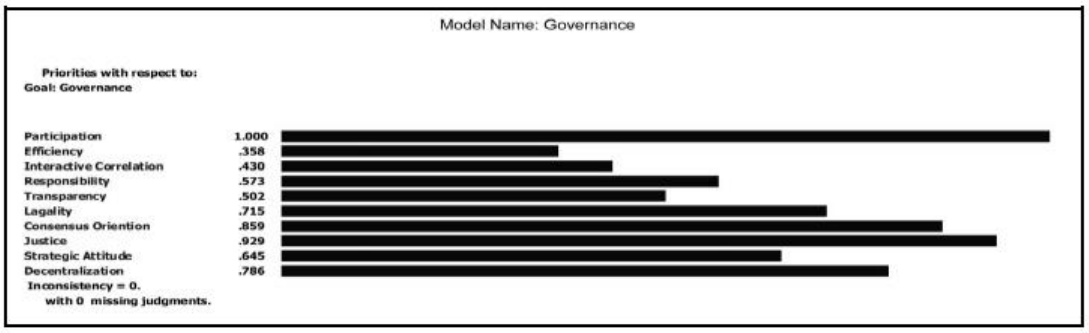
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



شکل ۳. تعیین منطقه مورد نظر برای سنجش حکمروایی منطقه کلان شهری تهران، ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۰

شده است و تنوع قابل قبولی از اقشار اجتماعی را در خود جای داده‌اند.

از میان اسناد موجود در زمینه معیارها و ویژگی‌های حکمروایی، سند انتشار یافته از سوی سازمان ملل (UNCHS,1999) را می‌توان جامع‌ترین بیانیه در این زمینه دانست. در این بیانیه معیارها و ویژگی‌های حکمروایی بر ارزش‌های عام و جهان شمول استوار شده است، به نحوی‌که فارغ از تفاوت‌های سیاسی، فرهنگی و مکانی می‌توان آن‌ها را معیارهای مطلوب حکمروایی شهری و منطقه ای دانست. در مورد شرایط خاص ایران، معیار تمرکززدایی را نیز باید به معیارهای یاد شده افزود، زیرا در نظام‌های متمرکز، یکی از پیش شرط‌های تحقق حکمروایی، تمرکززدایی از نظام تصمیم گیری است و با در نظر داشتن لزوم منطقه گرایی، معیارهای مطلوب حکمروایی منطقه ای در ایران گردآوری گردیدند. با توجه به ساختار سیاسی، اداری حاکم بر اداره امور مناطق شهری در ایران و توجه به این نکته که برای تحقق حکمروایی در یک عرصه فضایی مانند منطقه شهری لازم است که به ابعاد حکمروایی در سایر عرصه‌ها (ملی، محلی، ...) نیز توجه شود و در حقیقت تحقق حکمروایی در هریک از این عرصه‌ها ارتباط مستقیمی به چگونگی آن در سایر عرصه‌های فضایی دارد (Dinesh,1998)، فهرست شاخص‌های بومی‌متناسب با معیارها و ویژگی‌های حکمروایی در منطقه شهری تهران نیز برای نظر سنجی کیفی در پرسش نامه‌ها تهیه شدندکه به دلیل متنوع بودن شاخص‌های هر معیار از لحاظ مقیاس اندازه گیری، برای محاسبه امتیاز نهایی حکمروایی از فن کمی کردن داده‌های کیفی از طریق وزن‌دهی و هم‌سوکردن امتیازات استفاده شده است. به طوری‌که برای سنجش هر شاخص امتیازی بین صفر تا صد در نظرگرفته شده‌که امتیاز بیشتر نشانه وضعیت بهتر و مطلوب‌تر است. به منظور قابل فهم بودن و سهولت پاسخ‌گویی در پرسش نامه، این امتیازها به صورت کیفی از بسیارکم به بسیار زیاد در نظر گرفته شده‌اند. برای به دست آوردن ضریب مربوط به هر معیار حکمروایی از روش سلسله مراتبی استفاده شده است. ضریب هر



شکل ۴. وزن به دست آمده برای معیارهای حکمروایی در نرم افزار Expert Choice، ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۰

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

Reliability

[DataSet1] D:\Personal\Document\Thesis\Thesis\spss\Final Governance Analysis.sav

Scale: Govarnance Questionairs in Tehran,Shemiranat,Rey,Eslamshahr

Case Processing Summary

		N	%
Cases	Valid	288	96.0
	Excluded[a]	12	4.0
	Total	300	100.0

a. Listwise deletion based on all variables in the procedure.

Reliability Statistics

Cronbach's Alpha	N of Items
.957	42

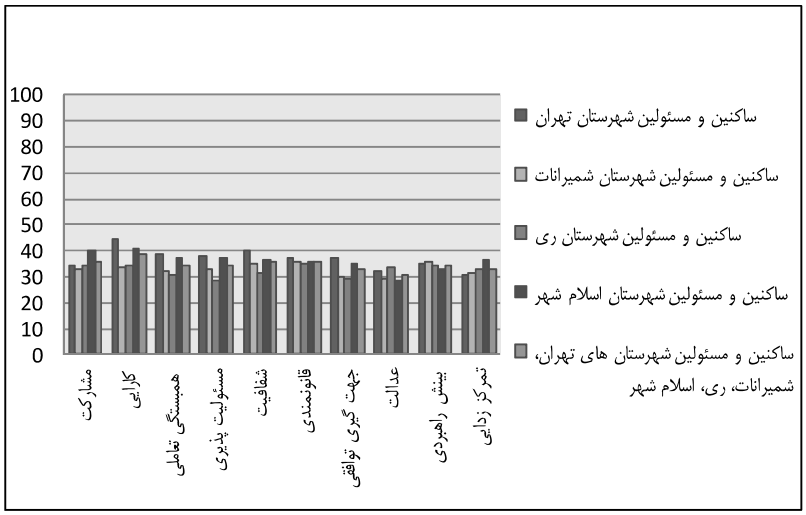
شکل ۵. محاسبه آلفای کرونباخ برای پرسش نامه‌های شهرستان‌های تهران، شمیرانات، ری و اسلام شهر در نرم افزار SPSS، ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۰

معیار برای به دست آوردن امتیاز نهایی حکمروایی در منطقه شهری تهران در نظرگرفته شده است.

درکل شهرستان‌های مورد بررسی تعداد ۳۰۰ پرسش نامه تکمیل گردیده‌که از این تعداد، ۱۲۰ عدد توسط ساکنین، ۶۰ عدد توسط مسئولین بخش دولتی، ۶۰ عدد توسط مسئولین بخش عمومی‌و ۶۰عدد توسط مسئولین بخش خصوصی تکمیل شده‌اند. نتایج آزمون پایایی برای پرسش نامه هایی‌که درکل شهرستان‌های مورد بررسی تکمیل شده‌اند، به شرح زیر می‌باشد.

همانطورکه شکل شماره ۵ نشان می‌دهد، مقدار آلفای کرونباخ برای پرسش نامه‌های تکمیل شده، مقدار ۰/۹۵۷ می‌باشدکه بیش از ۰/۷ و نزدیک ۱ است و نشان می‌دهد پاسخ‌ها از پایایی نسبتا خوبی برخوردار هستند.

پس از سنجش پایایی پرسش نامه ها، به امتیاز بندی معیارهای حکمروایی می‌پردازیم. امتیازی‌که برای معیارهای حکمروایی درکل شهرستان‌های مورد بررسی به دست آمده، حاصل میانگین امتیاز شاخص‌های هر معیار است‌که در پرسش نامه‌های تکمیل شده درکل شهرستان‌های مورد بررسی توسط گروه‌های مختلف بیان شده و در یک نمودار مقایسه ای (شکل شماره ۴) میان ساکنین و مسئولین بخش‌های مختلف درکل شهرستان‌های مورد بررسی آورده شده است.



شکل ۶. میزان معیارهای حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران از نظر ساکنین و مسئولین شهرستان‌های تهران، شمیرانات، ری، اسلام شهر، ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۰

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

۷- تحلیل راهبردی از وضعیت نظام حکمروایی منطقه کلان شهری تهران

مطالعات شناخت و تحلیل وضعیت اداره منطقه کلان شهری تهران در ابعاد مختلفی چون قلمروهای منطقه کلان شهری، بررسی نهادی وکارکردی (شناخت عناصر و نهادهای اثرگذار در اداره منطقه‌کلان شهری) و نیز منابع پشتیبان آن‌ها (شامل قوانین و مقررات، منابع مالی و سایر منابع از جمله برنامه‌ها و طرح ها) انجام شده است. با توجه به روش و جهت گیری استراتژیک پژوهش، تحلیل تلفیقی اطلاعات و داده‌های مطالعات فوق در قالب مدل سوات انجام می‌گیرد. تحلیل تلفیقی در برگیرنده عناصر اصلی در حوزه‌های «ساختارها و نهادها»، «منابع مدیریت»، «قلمروهای فضایی»، «قوانین و مقررات» و «جامعه مدنی» در قلمرو منطقه شهری است که در آن تأثیر متقابل سه سطح جهانی، ملی و محلی در ارتباط با هم و منطقه‌کلان شهری دیده شده است. در این تحلیل محیط بیرونی فراگیر، محیطی فراسوی مرزهای ملی است و مقتضیات جهانی از جمله «جهانی‌شدن و محلی شدن»، «گذار از حکومت به حاکمیت»، و نیز «تجربیات‌کشورهای دیگر» عناصر اصلی آن را شکل می‌دهند. فرصت‌ها و تهدیدهای جهانی در قلمرو این محیط بر حکومت ملی و نظام اداره آن و به تبع آن بر نظام اداره منطقه شهری تهران تأثیر می‌گذارد. محیط داخلی فراگیر نیز در این جا حوزه‌های مختلف و تأثیرگذار و روندهای موجود در سطح ملی و نظام حکومت را دربرمی‌گیردکه برای اداره منطقه‌کلان شهری می‌تواند فراهم سازنده فرصت‌ها و تهدیدها در سطح ملی باشد. محیط درونی که شامل نقاط قوت و ضعف نظام اداره و مدیریت منطقه شهری در شرایط موجود است، بیشتر با ارجاع به حوزه‌های مطالعه در قلمرو منطقه شهری از جمله یافته‌های حاصل از سنجش حکمروایی در منطقه کلان‌شهری تهران با استفاده از پرسش نامه ساکنین و مسئولین تدوین شده است.

به عنوان نتیجه ای از تحلیل تلفیقی، از میان فرصت‌ها و تهدیدهای عمده فراروی اداره مناطق کلان شهری در سطح جهانی و ملی می‌توان از یک سو به تغییر مقیاس رقابت سرزمینی از سطح کشوری به سطح شهری و منطقه ای و توجه سیاست‌گذاران، قانون‌گذاران و برنامه ریزان ایران به موضوع محدوده‌ها و قلمروهای مجموعه‌های شهری کشور اشاره‌کرد. همچنین افزایش پیچیدگی، سرعت و مقیاس تغییرات و تحولات ناشی از جهانی شدن، تبدیل شدن تصمیم گیری به نوعی چانه زنی چندسطحی و چندنقشی، ضعف ساختارهای اداره و تصمیم‌گیری سنتی در اداره شرایط جدید، تعدد و تفرق قلمروهای حکومتی و مدیریتی از جمله تهدیداتی است که در تدوین هرگونه استراتژی‌کارآمد باید مورد توجه قرار گیرند. شکل گیری شوراهای شهری و روستایی و نیز شوراهای سطوح فرا دست و همچنین تشکل‌های غیر دولتی، تعیین قلمرو مجموعه شهری تهران و به رسمیت شناختن آن در مصوبات هیأت وزیران، تهیه و تصویب طرح مجموعه شهری تهران و ظرفیت مالی مناسب شهرداری‌های واقع در منطقه‌کلان شهری تهران از جمله نقاط قوت موجود منطقه تهران محسوب می‌شود. از سوی دیگر، تداخل قلمروهای سیاسی و مدیریتی در منطقه کلان شهری تهران، افزایش تعداد قلمروهای حکومتی و به تبع آن افزایش تعداد نهادهای تصمیم‌گیر و اجرایی، سطح حداقل همکاری و تشریک مساعی بین عوامل مؤثر در اداره منطقه کلان شهری تهران و عدم تعادل در سرانه درآمدی شهرداری‌های واقع در منطقه کلان شهری تهران از جمله نقاط ضعف عمده در تحقق حکمروایی منطقه‌کلان شهری محسوب می‌شوند.

۸- تدوین چشم انداز و اهداف کلان و خرد نظام حکمروایی منطقه کلان شهری تهران

در این جا تدوین چشم انداز مشترک بنا بر تعریف متأثر از عوامل متعددی از جمله «مبانی نظری و بررسی‌های تطبیقی در موضوع»، «بررسی تجارب جهانی در مورد موضوع» (Haines, 2001:1-2)، «مطالعات شناخت و تحلیل وضعیت موجود اداره منطقه‌کلان شهری تهران» و «دیدگاه عناصر مؤثر در اداره منطقه» صورت‌گرفته است. به عبارت دیگر بیانیه چشم انداز محصول نتایج مطالعات اسنادی (بررسی نظریه ها، مدل‌ها و نمونه‌های مدیریت مناطق کلان شهری در نقاط مختلف جهان و همچنین شناخت و تحلیل وضعیت اداره منطقه کلان شهری

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول ۸. بیانیه چشم انداز نظام حاکمیت منطقه کلان شهری تهران؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۰

سطح	چشم انداز	اهداف کلان	اهداف خرد
جهانی	همسو و همراه با دیگر نظام های حاکمیت مناطق کلان شهری پیشرفته	توقف حرکت های ضد منطقه گرایی	– تمرکز زدایی نظام تصمیم گیری منطقه ای
			– ایجاد توافق و تفاهم میان کارگزاران هدایت توسعه منطقه
منطقه جهانی	پیشتاز و الگوی نظام های حاکمیت مناطق کلان شهری کشورهای منطقه	شکل گیری حکمروایی منطقه ای	– ایجاد و ارتقای بینش راهبردی در نظام هدایت توسعه منطقه ای
			– تامین عدالت اجتماعی و نفع همگانی در توسعه منطقه ای
ملی	سرمشق موفق برای دیگر نظام های حاکمیت مناطق کلان شهری ایران	یکپارچه نگری منطقه ای	– مشارکت گسترده شهروندان در نظام هدایت توسعه منطقه
			– افزایش اثربخشی و کارایی نظام برنامه ریزی و مدیریت منطقه ای
			– همبستگی تعاملی دستگاه ها و کارگزاران منطقه ای و شهروندان
			– افزایش مسئولیت پذیری دستگاه ها و کارگزاران منطقه
			– افزایش شفافیت در نظام هدایت توسعه منطقه ای
			– ایجاد قانون مندی در نظام هدایت توسعه منطقه ای

تهران) و تلفیق آن با نتایج مطالعات پیمایشی (مصاحبه‌های انفرادی و گروهی با عوامل تأثیرگذار در اداره منطقه‌کلان شهری تهران) است.

منظور اصلی از تحقق حکمروایی، تبدیل مدیریت توسعه آمرانه، اقتدارگرا و یک سویه به مدیریت چند سویه و مشارکت طلبانه است. مهم‌ترین عاملی که در تحقق حکمروایی منطقه ای دخالت دارد وجود عرصه عمومی‌فعال، پویا و تاثیرگذار در نظام کنترل و هدایت توسعه منطقه‌ای و به طورکلی در حیات شهری و منطقه‌ای است. اما همان طورکه مطالعات نظری و میدانی تحقیق حاضر نشان می‌دهد عرصه عمومی‌در نظام تصمیم‌گیری در منطقه‌کلان شهری تهران حضور ندارد یا بسیار ضعیف است. بنابراین تحقق مردم‌سالاری و حکمروایی، مستلزم تقویت عرصه عمومی‌در فرآیند کنترل و هدایت توسعه منطقه‌ای است. بنابراین به منظور برنامه‌ریزی برای گذار از حکومت به حکمروایی و تحقق مردم سالاری و حکمروایی در نظام تصمیم‌گیری منطقه شهری تهران، لازم است اهداف‌کلان و خردی را در نظرگرفت‌که این اهداف با توجه به سند چشم‌انداز از یک سو و هم چنین مشکلات و امکانات ذکر شده برای استقرار نظام حکمروایی در منطقه‌کلان شهری تهران از سویی دیگر، تدوین می‌شوند و در جدول شماره ۸ آورده شده‌اند.

۹- تولید و ارزیابی راهبردهای گام به گام استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران

پس از تجزیه و تحلیل مشکلات و امکانات به دست آمده و دسته بندی آن‌ها به دو دسته عوامل خارجی شامل فرصت‌ها و تهدیدها و داخلی شامل نقاط قوت و ضعف و دسته بندی فرصت‌ها و تهدیدها به سطح جهانی و ملی و زیرمجموعه‌های آن‌ها و نقاط قوت و ضعف به قلمروها، ساختارها و نهادها، منابع و جامعه مدنی و زیرمجموعه‌های آن ها، سند چشم‌انداز و مشکلات و امکانات منطقه‌کلان شهری تهران برای استقرار نظام حکمروایی در تدوین اهداف برنامه در نظرگرفته شد. ترسیم مسیر راهبردی استقرار نظام حکمروایی در منطقه‌کلان شهری تهران با تعیین مراحل‌گام به‌گام (با نگاهی به تحقیق آخوندی و برک پور، ۱۳۸۹) و مشخص کردن اهداف کلان و خرد هرگام در مسیر راهبردی استقرار نظام حکمروایی در منطقه‌کلان شهری تهران صورت می‌گیرد. راهبردهای اولیه با استفاده از جدول سوات تولید می‌شوند و در ماتریس دستیابی به اهداف برای رسیدن به راهبردهای گام به گام نهایی ارزیابی می‌گردند. سپس سیاست‌های اجرایی برای هر راهبرد تولید می‌شود و ساز و کار اجرایی و مدیریتی برای راهبردها پیشنهاد می‌گردد. بر این اساس، راهبردهای استقرار نظام حکمروایی در منطقه‌کلان شهری تهران در

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول شماره ۹ ارائه شده است که جایگاه هرکدام در مسیر راهبردی و در دست یابی به اهداف حکمروایی مشخص است و در مراحل بعدی سیاست‌های اجرایی و متولی اقدام برای اجرای آن سیاست‌ها نیز مشخص می‌شوند.

اقدام برای تحقق بسیاری از راهبردها مستلزم تغییر در مقیاس فضایی و عملکردهای خدمات رسانی انواع حکومت‌های محلی با اهداف عام (شهرداری‌ها و دهداری ها)، انواع واحدهای خدمات رسانی (شعب استانی و شهرستانی وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های مرکزی) و نیز وظایف و اختیارات قلمروهای حکومتی چون استان، شهرستان و بخش و تجدید نظر در روابط بین آنهاست. از آنجا که سطح منطقه کلان شهری در نظام تقسیمات سیاسی و مدیریت سرزمین جایگاه شناخته شده حقوقی ندارد، بزرگ‌ترین مانع بر سر راه شکل گیری وحدت و یکپارچگی و چیرگی بر تفرق سیاسی خود را نشان می‌دهد. باید تأکید کرد که اصرار بر حفظ وضع موجود نظام سلسله مراتبی کنونی در قالب تقسیمات سیاسی و نظام مدیریت بخشی در قالب وزارت خانه‌های مرکزی و

جدول ۹. راهبردهای گام به گام استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران

گام	هدف کلان	هدف خرد	سطح	راهبردها
گام اول: رویکرد آسان حکمروایی منطقه ای	توقف حرکت های ضد منطقه گرایی	تمرکز زدایی نظام تصمیم گیری منطقه ای و واگذاری اختیارات به سطوح محلی	ساختارها نهادها	۱- واگذاری اختیار تهیه طرح های توسعه شهری و منطقه ای به نهادهای محلی
				۲- انتخابی کردن نهادهای مسئول اداره شهر و منطقه از سوی شهروندان
			منابع	قوانین و مقررات: ۳- قانون گذاری در زمینه تمرکز زدایی
				منابع مالی: ۴- استقلال منابع مالی نهادهای محلی و قدرت تصمیم گیری درباره نحوه استفاده از منابع مالی
		ایجاد توافق و تفاهم میان کارگزاران هدایت توسعه منطقه ای	قلمروها	۵- ایجاد انطباق بین تقسیمات مدیریتی و سیاسی و رفع تعارضات موجود میان سازمان های مختلف تهیه کننده و اجراکننده برنامه های شهری و منطقه ای
			ساختارها نهادها	۶- ایجاد فعالیت های مشترک میان سازمان های رسمی توسعه شهری و منطقه ای و سازمان های غیر دولتی
			جامعه مدنی	۷- ایجاد ساز و کارهایی برای مشورت بین سازمان های رسمی توسعه شهری و منطقه ای و شهروندان
گام دوم: رویکرد متوسط منطقه ای	یکپارچه نگری منطقه ای	ایجاد و ارتقای بینش راهبردی در نظام توسعه منطقه	ساختارها نهادها	۸- ایجاد ساختار قانونی و اجرایی متمایز برای برنامه ریزی و حکمروایی منطقه کلان شهری تهران
			منابع	برنامه ها و طرح ها: ۹- ایجاد برنامه های میان مدت و دراز مدت در سازمان های مدیریتی شهر و منطقه
				۱۰- ایجاد برنامه های راهبردی برای ایجاد هماهنگی در منطقه
		تامین عدالت اجتماعی و نفع همگانی در توسعه منطقه ای	منابع	قوانین و مقررات: ۱۱- رعایت عدالت در ضوابط منطقه بندی و مقررات شهر و منطقه
				منابع مالی: ۱۲- رعایت عدالت در نحوه تخصیص منابع و خدمات به شهروندان
			جامعه مدنی	۱۳- مشارکت دادن اقشار محروم جامعه در فرآیند برنامه ریزی و مدیریت شهری و منطقه ای

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

گام سوم: رویکرد دشوار منطقه ای	شکل گیری حکمروایی منطقه ای	مشارکت واقعی و گسترده شهروندان در نظام هدایت توسعه منطقه	ساختارها نهادها	۱۴- مشارکت دادن سازمان ها و تشکل های غیر دولتی در زمینه مسائل برنامه ریزی و مدیریتی شهر و منطقه	
				۱۵- فعالیت کردن شوراهای شهر و روستا در کمک به راه اندازی سازمان ها و تشکل های غیر رسمی	
			جامعه مدنی	۱۶- نهادینه سازی مشارکت و ترویج مشارکت عمومی خصوصی در ابعاد سازمانی، قانونی و مالی در سطوح حکومت‌های محلی- منطقه‌ای و مرکزی	
				۱۷- ایجاد ساز و کارهای لازم برای مداخله شهروندان در روند توسعه شهر و منطقه	
				۱۸- آگاهی دادن به شهروندان در مورد حقوق و وظایف شهروندی	
				۱۹- ایجاد رسانه های محلی	
		افزایش اثربخشی و کارایی نظام برنامه ریزی و مدیریت منطقه ای	قلمروها	۲۰- بالا بردن رضایت شهروندان از خدمات سازمان های مدیریتی شهر و منطقه در تمام قلمروها	
			ساختارها نهادها	۲۱- برگزاری دوره آموزشی برای ارتقای صلاحیت علمی و عملی کارکنان سازمان های مدیریتی شهر و منطقه	
				۲۲- به کار بردن روش های جدید مدیریت شهری و منطقه ای	
			منابع	قوانین و مقررات: ۲۳- قانون گذاری برای خصوصی سازی برنامه ریزی و مدیریت شهری و منطقه ای	
				منابع مالی: ۲۴- خصوصی سازی منابع برای ارائه خدمات شهری و منطقه ای	
		همبستگی تعاملی میان دستگاه ها و کارگزاران منطقه ای و شهروندان	ساختارها نهادها	۲۵- ایجاد رویه های ساده برای واکنش مسئولان در برابر خواسته ها و نظرات شهروندان	
			منابع	برنامه ها و طرح ها: ۲۶- پی گیری چگونگی تحقق برنامه های توسعه شهری و منطقه ای توسط شوراها	
			جامعه مدنی	۲۷- ایجاد ساز و کارهایی برای انتقال نیازها و خواسته های شهروندان به مسئولان	
		افزایش مسئولیت پذیری دستگاه ها	ساختارها نهادها	۲۸- بالا بردن میزان انجام وظیفه مسئولان برنامه ریزی و مدیریت شهر و منطقه	
		افزایش شفافیت در نظام هدایت توسعه منطقه ای	جامعه مدنی	۲۹- اطلاع رسانی به شهروندان درباره برنامه های توسعه شهری و منطقه ای	
				۳۰- نظرخواهی از عموم شهروندان در مورد برنامه های توسعه شهری و منطقه ای	
				۳۱- ایجاد وضوح برای رویه ها، نظارت ها و مسئولیت ها در زمینه برنامه ها، قرارداد ها و مناقصه ها	
				۳۲- ایجاد امکان گردش آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی به آن	
		ایجاد قانون مندی در نظام هدایت توسعه منطقه ای	ساختارها نهادها	۳۳- کنترل افراد و گروه های ذی نفع و ذی نفوذ در برنامه ریزی و مدیریت شهر ی و منطقه ای	
			منابع	قوانین و مقررات: ۳۴- متناسب کردن قوانین با مسائل شهری و منطقه ای موجود	
			جامعه مدنی	۳۵- آگاهی دادن به شهروندان از قوانین و مقررات توسعه شهری و منطقه ای برای رعایت آن ها	
				۳۶- آگاهی دادن به شهروندان از مفهوم قانون مندی	

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول ۱۰. بخش‌ها و ابزارهای مورد نیاز نهاد مدیریت منطقه کلان شهری تهران؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۰

بخش ها	دفاتر اجرای برنامه راهبردی	– دفتر مدیریت و برنامه ریزی
		– دفتر آموزش
		– دفتر کار و مهارت های شغلی
		– دفتر حمایت از نهادهای غیر دولتی
		– دفتر حفاظت و امنیت
	کمیته های ایجاد هماهنگی بین بخش ها	– کمیته هماهنگی محلی
		– کمیته تسهیل گری و جلب مشارکت
ابزارها	ابزارهای حقوقی	– ضوابط و مقررات برای درگیر کردن گروه های ذی نفع در فرآیند برنامه ریزی
		– ضوابط و مقررات برای ایجاد امکان مرور و فرابینی[17] برنامه راهبردی
		– ضوابط و مقررات برای الزام به ارزیابی[18] پیش از اجرای برنامه راهبردی
		– ضوابط و مقررات برای تاکید بر اجرای برنامه راهبردی پس از ارزیابی
	ابزارهای مالی	– منابع مالی برای فراهم نمودن ساز و کار سازمانی مورد نیاز
		– منابع مالی با هدف ارائه کمک های مالی به ساکنین
	ابزارهای فنی	– حفظ فرآیند برنامه ریزی
		– استفاده از سیستم پشتیبان تصمیم گیری فضایی[19]

شعب استانی و شهرستانی آنهاکه هرکدام سیاست‌های خود را از سطوح فراتر می‌گیرند و نیز تعدد و تفرق انواع حکومت‌های محلی چون شهرداری‌ها در فقدان ساز و کارهای هماهنگی و همکاری، مانعی برسر راه تحقق هرگونه تجدید سازمان حکومت سرزمینی است. این نوع چندگانگی در برنامه ریزی و مدیریت که بیشتر نشان گر قدرت عناصر نظام بخشی و شهرداری‌ها در مجموعه‌های شهری است، باید در قالب چارچوب هایی هماهنگ و یکپارچه گردد تا از اثرات سوء تفرق سیاسی کاسته شود. این نوع یکپارچگی مستلزم تلاش برای تحقق نظام حکمروایی منطقه ای و کلان شهری است که آن نیز مستلزم تجدید سازمان و بازآرایی جدیدی در وظایف سطوح مختلف حکومتی در تهران است. این تجدید سازمان وظایف وکارکردها نیازمند تمرکز زدایی از سطوح ملی و استانی و محلی به سطح جدید منطقه‌کلان شهری است. یعنی ایجاد لایه جدید برای حکومت و حکمروایی منطقه‌کلان شهری که می‌تواند با شدت و ضعف منطقه گرایی متفاوتی دنبال شود.

۱۰- ساز و کار سازمانی پیشنهادی برای استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران

با توجه به آنچه در مورد سابقه تحولات و شکل گیری منطقه شهری تهران، مسائل و مشکلات منطقه و ریشه‌ها و علل آنهاگفته شد، و نیز دست آوردهای تجربیات جهانی در زمینه مدیریت مناطق‌کلان شهری، حل مسائل امروز و آینده و ایجاد محیط قابل زندگی و توسعه و رفاه منطقه شهری تهران بیش از هر چیز مستلزم ایجاد «نهاد مدیریت منطقه شهری تهران» است؛ نهادی واحد با توان و اختیارات‌کافی، به نحوی‌که بتواند عملکردکلیه نهادهای مسئول را در نیل به اهداف رشد و توسعه‌کل منطقه در چارچوب سیاست‌ها و برنامه‌ها و طرح‌های لازم، هدایت و هماهنگ سازد و بر آن نظارت کند. انجام وظیفه مهم هدایت و ایجاد هماهنگی در اداره امور منطقه شهری تهران مستلزم آن است که این نهاد، مطالعه و ارزیابی مستمر وضعیت منطقه و تشخیص و طرح مسائل و ارائه راه‌حل‌ها، هماهنگی با سطوح بالاتر مدیریت (دولت و مجلس)، نظارت بر اجرای صحیح قوانین و مقررات و برنامه‌ها، و اقدام در جهت توسعه و عمران منطقه را در دستورکار خود قرار دهد. بررسی مسائل، تصمیم‌گیری و سیاست‌گزاری در این نهاد باید بر عهده شورایی متشکل از

17. Monitoring
18. Assessment
19. Spatial Deciosion Support System (SDSS)

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

مسئولان بخش‌های اجرایی، استاندار، شهردار تهران و شهرداران شهرهای اصلی منطقه قرار گیرد و به لحاظ جایگاه قانونی نیز باید در سطحی باشد که بتواند وظیفه مهم ایجاد هماهنگی در اقدامات بخش‌ها (وزارتخانه‌ها) را به خوبی به انجام رساند.

هم چنین، این نهاد باید مسئول تهیه و اجرای «طرح منطقه شهری تهران» باشد. طرح منطقه شهری تهران ابزار مدیریت سطح منطقه برای هدایت و کنترل نحوه اسکان جمعیت و استقرار فعالیت‌ها و مداخله در فرایند تحولات و توسعه منطقه خواهد بود. این طرح با هدف ارتقاء و حفظ کیفیت و کارایی شهر تهران، ایجاد تنوع و کارایی اقتصادی و مطلوبیت اجتماعی در کانون‌های جمعیتی محروم منطقه و افزایش میزان خودکفایی آنها، کاهش هزینه‌ها و بهبود نظام خدماتی و حمل و نقل، جلوگیری از گسترش آلودگی‌ها و حفاظت از منابع طبیعی و زیست محیطی، تهیه و اجرا می‌شود. به طور کلی این نهاد برای رسیدن به اهدافش، نیازمند بخش‌ها و ابزارهایی است که در جدول شماره ۱۰ آورده شده است.

روشن است که نظام پیشنهادی مدیریت منطقه کلان شهری تهران برای اجرای برنامه فضایی راهبردی در راستای استقرار نظام حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای، نیازمند سامان‌دهی و دستورکار مفصلی است که می‌تواند موضوع پژوهش‌های گوناگون قرارگیرد. هم‌چنین، لازم به ذکر است که در این راستا، واگذاری تصدی همراه با حاکمیت به شهرداری و شوراها یعنی واگذاری مسئولیت توام با اختیارات به آنان، تقویت سازمانی و انگیزش درونی برای تغییر نیز ضروری می‌باشد. در این صورت است که تحقق حکمروایی شایسته و برنامه ریزی فضایی راهبردی در مدیریت منطقه‌کلان شهری تهران، علاوه بر نفع نیازهای کمی، زمینه ارتقای کیفیت محیط و عدالت اجتماعی و هماهنگی بین منافع عمومی‌و خصوصی و هویت ملی و محلی و در یک‌کلام توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای را فراهم می‌آورد.

جدول ۱۱. سیاست‌های اجرایی متناسب با راهبردهای گام به گام استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران

گام	راهبرد	سیاست های اجرایی	متولی اقدام
گام اول: رویکرد آسان حکمروایی منطقه ای	۱	– تجهیز نهادهای محلی با منابع مالی، قانونی و انسانی متناسب با مسئولیت‌های تهیه طرح های توسعه	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی
	۲	– انتخاب شهردار با آرای مستقیم مردم	وزارت کشور
	۳	– قانون گذاری برای کاهش تمرکز در شهر تهران – قانون گذاری برای تمرکز زدایی منابع مالی و قدرت سیاسی از حکومت‌های مرکزی به سطوح محلی	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، مجلس شورای اسلامی
	۴	– ایجاد منابع درآمدی پایدار برای شهرداری های واقع در منطقه کلان شهری تهران و تعادل بخشی به سرانه درآمدی آن ها – استقلال مالی شوراها و اتکای آن ها به مالیات محلی – تقویت نهادهای محلی (شهرداری‌ها) و مردمی (شوراهای محلی و تعاونی‌های مسکن)	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی
	۵	– به رسمیت شناختن داوری متخصصان برنامه ریزی و مدیریت در اختلافات مربوط به مسائل توسعه شهری و منطقه ای – ایجاد دادگاه های ویژه به منظور رسیدگی به اختلافات مربوط به مسائل توسعه شهری و منطقه ای – باز ساخت سازمان‌های محلی در جهت هماهنگی‌های افقی بین و درون سازمانی – توقف سیاست ایجاد شهرداری های جدید در منطقه کلان شهری تهران و کاستن از شهرداری های موجود برای کاستن از تعدد و تفرق مدیریتی – احیاء قانون نظارت بر گسترش شهر تهران و گسترش محدوده عمل	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

ادامه جدول ۱۱. سیاست‌های اجرایی متناسب با راهبردهای گام به گام استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران

گام	راهبرد	سیاست های اجرایی	متولی اقدام
		شورای نظارت به کل منطقه کلان شهری تهران	
	۶	– تقسیم وظایف ارائه خدمات و زیر ساخت‌های بخش‌های خصوصی و دولتی –تهیهٔ چارچوبی از اهداف و راهبردها در جهت هماهنگی فعالیت‌های بخش‌های مختلف جامعه	شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
	۷	– ایجاد نهادهای محلی موثر در تصمیم گیری به نمایندگی از شهروندان	شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
گام دوم: رویکرد متوسط منطقه ای	۸	– تشکیل کمیسیون مشورتی برنامه ریزی شهری و منطقه ای در کلیه شوراها – ایجاد دفتر برنامه ریزی شهری و منطقه ای در سازمان های مسئول – ایجاد نهاد مسئول برای تدوین برنامه راهبردی حکمروایی منطقه کلان شهری تهران – ایجاد نهادهای مسئول حکمروایی سطح منطقه کلان شهری تهران – ایجاد مدیریت یکپارچه شهری در محدوده و حریم شهرها با باز آرایی وظایف حکومت مرکزی و نهادهای محلی	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
	۹	– تهیه برنامه هایی برای بازنگری در محدوده تقسیمات کشوری در منطقه کلان شهری تهران بر پایه نحوه مکان گزینی جمعیت و فعالیت	وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری ها، سازمان مدیریت و برنامه ریزی
	۱۰	– تغییر در فرآیند برنامه‌ریزی از برنامه‌ریزی جامع به برنامه‌ریزی راهبردی هدفمند، یکپارچه و مشارکتی – تعریف و تبیین جایگاه قانونی برنامه ریزی راهبردی منطقه کلان شهری تهران در نظام برنامه ریزی کشور – تهیه برنامه راهبردی حکمروایی منطقه شهری تهران	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
	۱۱	– ایجاد جنبش های محله ای و شهری به منظور ارتقای وضعیت کم درآمدها و محرومان شهری (نظیر محله سالم و شهر سالم)	شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
	۱۲	– حل مسئله اسکان گروه‌های کم درآمد – توانمند سازی کم درآمدها و افزایش نقش آنها در زمینه تامین مسکن و اشتغال – عرضه زمین کافی و واگذاری یارانه‌ها و وام مناسب به گروه های کم درآمد	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی،
	۱۳	– ایجاد نهادهای محلی موثر در تصمیم گیری های برنامه ریزی و مدیریتی به نمایندگی از اقشار محروم	شوراهای شهر و روستا
گام سوم: رویکرد دشوار منطقه ای	۱۴	– تحول در چاجوب سازمانی و قوانین و مقررات مربوط به اختیارات سازمان های غیردولتی برای رسیدن به برنامه‌ریزی انعطاف‌پذیر و مشارکتی	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی
	۱۵	– ترغیب و تشویق و کمک به ایجاد گروه‌های سازمان یافتهٔ شهروندی در قالب سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های داوطلبانهٔ خصوصی و سازمان‌های متکی بر جامعهٔ محلی و ... جهت مشارکت هر چه بیشتر جامعهٔ مدنی در ادارهٔ امور	شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
	۱۶	– اعتمادسازی برای ایجاد تمایل مشارکت شهروندان در انتخابات شوراهای شهر و روستا از سوی مسئولین	وزارت کشور، شوراهای شهر و روستا
	۱۷	– ایجاد فضاهای عمومی برای تقویت عرصه جمعی	شهرداری ها، شوراهای شهر

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

ادامه جدول ۱۱. سیاست‌های اجرایی متناسب با راهبردهای گام به گام استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران

گام	راهبرد	سیاست های اجرایی	متولی اقدام
			و روستا
	۱۸	– تبیین و ترویج مفهوم و فرهنگ شهروندی از سوی رسانه های پرمخاطب – آموزش شهروندان و ارتقای آگاهی های عمومی آنان از طریق برگزاری همایش ها و کنفرانس ها	شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
	۱۹	– ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی محلی برای تسهیل مشارکت ذی‌نفعان در فرآیندهای تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت بر انجام امور مختلف در شهر و منطقه	شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
	۲۰	– رعایت استانداردهای ارائه و بالا بردن پوشش فضایی و تنوع خدمات شهری و منطقه ای – استفاده از توان‌های بالقوه کانون‌های عمده و مستعد جمعیتی و اقتصادی و زیست محیطی موجود، از طریق واگذاری نقش متناسب با توان هر یک و ساماندهی و تجهیز آنها به لحاظ دسترسی به مسکن و زمین ارزان، دسترسی به مراکز اشتغال، بهره‌مندی از خدمات بهداشتی و آموزشی و برخورداری از زیرساخت‌های لازم – ایجاد ساز و کارهای جدیدی از تأمین بودجه برای خدمات و زیرساخت‌ها جهت تضمین توسعه کارا و پایدار – جلوگیری از پراکندگی بیشتر کانون‌های اسکان جمعیت و استقرار فعالیت‌ها در منطقه و تقویت ارتباط و ایجاد انسجام آن ها	وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
	۲۱	– تربیت نیروی انسانی و کارشناسان مسائل مدیریت شهری و منطقه ای در سطوح محلی – ظرفیت سازی توسط ارتقای آموزش، بهسازی تشکیلات و نوسازی قوانین – بالا بردن سطح سواد عمومی انتخاب شوندگان شوراها – برگزاری همایش ها و مسابقات علمی و هنری با مضامین مدیریت شهر و منطقه – آموزش دائمی کارکنان سازمان های مسئول برنامه ریزی و مدیریت شهری و منطقه ای	وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
	۲۲	– آگاهی دادن و توجه به لزوم منطقه گرایی از سوی مسئولین – اطلاع دادن به شهروندان از آخرین دستاوردهای تحقیقی و نو آوری های مدیریتی	وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری ها
	۲۳	– حمایت از ایجاد و گسترش سازمان های غیر دولتی – اصلاح قوانین در جهت تفویض وظایف و اختیارات به سطوح محلی – تکمیل حلقه های نظام شورایی و تشکیل شوراهای محلی و منطقه ای – واگذاری خدمات شهری انتفاعی به بخش خصوصی – ایجاد سازمان واحد کنترل و هدایت توسعه شهر و منطقه با مرکزیت شوراها و شهرداری ها – اصلاح قانون در جهت اعطای وظایف و اختیارات بیشتر به شهرداری ها – گسترش نظارت شوراها از شهرداری به سایر دستگاه های اجرایی	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
	۲۴	– حمایت و تشویق سرمایه گذاری خصوصی – تعیین مالیات محلی و واگذاری آن به نهادهای محلی – ایجاد صندوق های اعتباری محلی – افزایش منابع درآمدی شهرداری ها	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

ادامه جدول ۱۱. سیاست‌های اجرایی متناسب با راهبردهای گام به گام استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران

گام	راهبرد	سیاست های اجرایی	متولی اقدام
	۲۵	– ایجاد روابط افقی و داوطلبانه بین نهادی با شهروندان در منطقه کلان شهری تهران – تعیین اهداف توسعه شهر و منطقه با نظر مردم در چارچوب سیاست های ملی	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی
	۲۶	– انتشار منظم گزارش تحقق برنامه های توسعه شهری و منطقه ای از سوی شوراها	– شوراهای شهر و روستا
	۲۷	– ایجاد شبکه جدید و واقعی دریافت نظرات، خواسته ها و پیشنهادهای شهروندان	وزارت کشور، شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
	۲۸	– سنجش منظم عملکرد مسئولان و اعلام آن – طراحی سیاست هایی برای مسئولیت پذیر بودن مسئولان برنامه ریزی و مدیریت شهر و منطقه در مورد مشکلات موجود – ایجاد سیاست های تشویقی برای مسئولان متعهد	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری ها
	۲۹	– ایجاد شبکه اطلاع رسانی مسائل شهری و منطقه ای به مردم (رایانه، اینترنت،...)	شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
	۳۰	– نظر خواهی دوره ای از عموم شهروندان در مورد فرآیند تهیه و اجرای طرح ها و برنامه های شهری و منطقه ای	وزارت کشور، شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
	۳۱	– اعلام عمومی طرح ها و برنامه های شهری و منطقه ای – انتشار منظم تصمیم گیری های شوراها و اقدامات شهرداری برای عموم مردم	شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
	۳۲	– انتشار نشریه ها و رسانه های آزاد برای بیان حقایق مدیریت شهر و منطقه و اطلاع رسانی – گسترش تجارب و تبادل اطلاعات میان شهرها و مناطق شهری	شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
	۳۳	– ایجاد انسجام و نظم حقوقی در قوانین ومقررات مربوط به برنامه ریزی و مدیریت شهری و منطقه ای و پیش بینی ضمانت های اجرایی کارآمد	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی
	۳۴	– اصلاح قانون شوراها در جهت تقویت نقش آن ها – تجدید نظر و به روز کردن قانون شهرداری ها	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
	۳۵	– تدوین و انتشار ضوابط و مقررات شهری برای آگاهی و راهنمایی شهروندان	شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
	۳۶	– فعالیت های رسانه ای برای تشویق مردم به رعایت قوانین	شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۴ بهار ۱۳۹۳
No.34 Spring 2014

۱۱ـ نتیجه گیری و جمعبندی

با توجه به نتایج مراحل طی شده، در نهایت می‌توان سیاست‌های اجرایی و متولی اقدام آن‌ها را برای هرکدام از راهبردهای پیشنهادی در هر یک از گام‌های سه گانه ارائه دادکه اجرای متعهدانه آن‌ها ضامن حرکت به سوی تحقق حکمروایی یکپارچه در منطقه‌کلان شهری تهران با استفاده از برنامه ریزی فضایی راهبردی خواهد بود. سیاست‌های اجرایی و متولی اقدام آن‌ها برای هر مرحله در جدول شماره ۱۱ آورده شده است:

به طورکلی، آن چه در این پژوهش در نظرگرفته شده این است که اصول کلی برنامه ریزی فضایی راهبردی بر همکاری افراد محلی و مشارکت نزدیک شهروندان

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

استوار است و در پارادیم حکمروایی نیز فرض بر این است که برای رفع مشکلات مانند افزایش فقر شهری، کاهش کیفیت محیط زیست، مصرف گرایی، نابرابری نژادی، اجتماعی، اقتصادی باید سه قلمرو دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی با شراکت یکدیگر به اقدام بپردازند. ضرورت این موضوع، اگرچه در سال‌های اخیر به انحا مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته ولی نکته مهم و الزامی از ماحصل مباحث مطروحه این است که در دست یابی جهت توسعه پایدار و اهداف برنامه ریزی فضایی راهبردی تشکیل مدیریت یکپارچه وکار با اختیارات لازم پیش شرط آن هاست. برای تحقق این موضوع پیشنهاد می‌شود که در گام اول جهت جلب مشارکت مردم ایجاد واحد ویژه و مکان خاصی برای عموم مردم جهت ارائه اطلاعات، دریافت خواسته ها، نظرات و شکایات در شهرداری‌های مناطق ایجاد گردد. همچنین برگزاری و تشکیل جلسات با نمایندگان گروه‌های مختلف و متخصصان در سطح مناطق برای همکاری در توسعه، این موضوع منجر به ایجاد شفافیت در مستندات برنامه ریزی و نهایتا ازدیاد مسئولیت شهروندان می‌شود. ضمنا تشکیل این کمیته‌های مشورتی در تمام فرآیند تهیه، تصویب، اجرا و نظارت طرح لازم است. گام دوم «نهادسازی» این رویکرد شامل تثبیت فرآیند و اقدامات اجرایی در یک دوره بلند مدت می‌شود و به زمان بیشتر و حمایت زیادتر از سوی مدیران محلی و ملی نیاز دارد. «ایجاد سازمان تحقق پذیری و اجرا» از مهم‌ترین ارکان برنامه ریزی راهبردی است که حاوی تشکیلات فنی در راهبری طرح است که وظایف راهبری-مشاوره مردمی-مذاکره با سرمایه‌گذاران-پایش و بازنگری برنامه ریزی را به عهده دارد و گام مهم بعدی تشکیل مدیریت واحد و راهبردی که در واقع رهبری اقدام در تغییر را به عهده دارد است.

منابع و ماخذ

۱. اسدی، ایرج و برک پور، ناصر، (۱۳۸۸)، «مدیریت و حکمروایی شهری»، نوبت اول، تهران، انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه هنر.

۲. آخوندی، عباس؛ برک پور، ناصر، (۱۳۸۹)، «راهبردهای استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران»، فصلنامه راهبرد، ش.۵۷، سال نوزدهم، صص.۳۲۴-۲۹۷.

۳. بوجانی، محمد حسین، (۱۳۸۶)، «لزوم بازبینی محتوایی مدیریت کلان شهری»، روزنامه اعتماد، ش ۱

۴. ترابی، علیرضا، (۱۳۸۳)، «مدیریت پایدار شهری درگرو حکمرانی خوب»، سال ششم، شهرداری ها، ش.۶۹.

۵. صرافی، مظفر، (۱۳۷۸)، «خلاصه گزارش مطالعات طرح ریزی کالبدی در نمونه هایی از مناطق کلان شهری جهان»، طرح مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف، وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

۶. صحت زاده، بهاره، (۱۳۸۴)، «ارزیابی و ارائه برنامه استراتژیک آموزش برنامه ریزی شهری و منطقه ای در ایران»، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

۷. عسگری، علی و همکاران، (۱۳۸۳)، «طراحی سیستم مدیریت مجموعه‌های شهری ایران»، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری.

۸. عسگری، علی، (۱۳۸۷)، «طرح طراحی نظام جامع مدیریت مجموعه‌های شهری کشور»، پژوهشکده شهری و روستایی، مرحله اول.

۹. لاله پور، منیژه، (۱۳۸۶)، «حکمروایی شهری و مدیریت شهری درکشورهای در حال توسعه»، جستارهای شهرسازی، سال ششم، ش.۱۹و۲۰.

۱۰. مرادی مسیحی، واراز، (۱۳۸۴)، «برنامه ریزی استراتژیک و کاربرد آن در شهرسازی ایران»، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهرداری تهران، تهران.

۱۱. مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، (۱۳۸۵)، «طرح بازنگری استراتژیک نظام مدیریت اجرایی کلان شهر تهران».

۱۲. منوچهری فر، بابک، (۱۳۸۷)، «الزامات و موانع برنامه ریزی فضایی راهبردی»، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید

۱۳. مهدی زاده، جواد، (۱۳۸۵)، «برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری، تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران»، وزارت مسکن و شهرسازی.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

14. Albrecht.L, (2001), “In Pursuit of New Approach to Strategic Spatial Planning: A European Perspective”, International Planning Studies, Vol.6, No.3.
15. Amamo-otchere.P and Narharyi, (2006), “Land use system approach for sustainable urban land management”, Nigeria.
16. Barlow.I.Max, (1991), “Metropolitan Government”, Routledge, London and New York.
17. Dekker.K, Kempen.R, (2004), “urban governance within the big cities policy”, Journal of Cities, vol.21, No.1.
18. Haines.Anna, (2001), “Using Visioning in a Comprehensive Process”, University of Wisconsin-Extension.
19. Mehta.Dinesh, (1998), some attributes of Good Governance and cities, urban Governance: Lessons from Best Practices in Asia, UMP-Asia occasional Paper, No.40.
20. Rakodi.C, (2003), “Politics and Performance: The Implication of Emerging Governance Arrangements for Urban Management Approaches and Information Systems”, Habitat International, No.27.
21. UNCHS, (1999), towards a set of urban Governance Indicators, Nairobi, Kenya.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]